

مهدی صحراگرد

مروری بر سیر تحول خط تعلیق و علل رکود آن در اصفهان

خط تعلیق نخستین خط ایرانی و یکی از پایه‌های اصلی خط نستعلیق به حساب می‌آید. همچنین در دوره‌ای از تاریخ خوشنویسی ایران از مهم‌ترین اقلام بوده و منشیان از آن برای کتابت و نامه‌نگاری استفاده می‌کرده‌اند. با این حال، از چگونگی پیدایش و تکامل آن اطلاعاتی پراکنده در دست داریم.

در این مقاله، ابتدا آراء پژوهشگرانی که پیش از این از سیر تحول این خط سخن گفته‌اند یاد می‌شود. سپس به نکاتی مانند شیوه‌های تعلیق‌نویسی در قرن دهم هجری و معرفی پیروان آنها و چگونگی تأثیر خط شکسته‌نستعلیق بر رکود خط تعلیق در اصفهان، که در بیشتر تحقیقات پیشین به آنها کمتر توجه شده است، می‌پردازیم.

از آنجا که تطور و تحول اولیه اقلام مختلف خوشنویسی در ابتدا در نسخه‌های خطی رخ نمود و بعد به دست خوشنویسان بزرگ تحت قاعده در آمد، دست‌یابی به اصل و منشأ خطی خاص یا آگاهی از زمان دقیق آغاز تطورش تقریباً محال است، یا صورت پذیرفتنش نیازمند منابع دست اول و معتبر و همچنین صرف وقت و دقت بسیار است. خط تعلیق نیز از این قاعده مستثنا نیست. با مراجعه به تذکره‌ها و رسالات متقدمان و همچنین نظر کارشناسان معاصر، با عقاید متفاوتی دربارهٔ مبدأ تعلیق و واضع یا واضعان آن مواجه می‌شویم که هر کدام در جای خود شایان تأمل و بررسی است.

صاحب گلستان هنر گوید:

بر مرآت حقایق نما ظاهر و هویدا باشد که خط تعلیق از رقاع و توقیع مأخوذ است و خواجه تاج سلمانی [ف ۸۹۷ق] که اصفهانی بوده، واضع آن است؛ و قبل از آن يكچند شکسته می‌نوشته و خط درست تعلیق در میان نبوده، او درست کرده و به نزاکت و رعنائی نوشته. چون نوبت به خواجه عبدالحی منشی [ف ۹۰۷ق] رسید، قاعده و نزاکت و اسلوب پیدا کرد و سلسلهٔ تعلیق‌نویسان و شجرهٔ ایشان به این دو استاد می‌رسد.^۱

گفتهٔ صاحبان بیشتر تذکره‌ها و رسالات به‌جامانده — مانند رسالهٔ سواد الخط مجنون رفیقی هروی، رسالهٔ خط و تقاضی قطب‌الدین محمد قصه‌خوان، رسالهٔ مداد الخطوط میر علی هروی، رسالهٔ اصول خطوط سنه فتح‌الله سبزواری —^۲ شاهدی بر مدعای قاضی احمد است. از میان صاحبان تذکره‌ها، تنها نویسندهٔ تذکرهٔ خط و خطاطان است که

قدیمی‌ترین نمونه‌های خط تعلیق مربوط به قرن پنجم هجری است. از آن زمان، این خط تا قرن نهم هجری رواج بیشتری یافت و در نهایت، صورت شکستهٔ آن به دست خواجه تاج سلمانی اصفهانی قاعده‌مند شد. بعد از خواجه تاج، در قرن دهم هجری دو شیوه در خط تعلیق، یکی در تبریز و دیگری در هرات پدید آمد. در قرن یازدهم هجری، مقارن با انتقال پایتخت به اصفهان، خط تعلیق در ورطهٔ رکود افتاد. این روند تا پایان قرن دوازدهم هجری ادامه داشت؛ تا آنکه پیشرفت و رواج چشم‌گیر خط شکسته‌نستعلیق به دست عبدالمجید طالقانی (ف ۱۱۸۵ق) موجب رکود نهایی خط تعلیق در اصفهان شد.

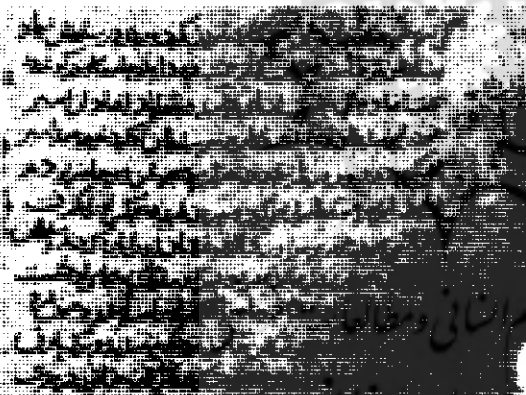
ت ۱. (راست) نمونه خط
نسخه‌ای از کتاب لابیه
عن الحقائق الادویه.
۴۷۷ق. مآخذ تصویر:
فضائل، اطلس خط،
ص ۴۰۱



ت ۲. (چپ بالا) نمونه
خط نسخه‌ای از کتاب
ترجمان البلاغه، ۵۰۷ق.
مآخذ تصویر: همان جا



ت ۳. (چپ وسط) نمونه
خط نسخه‌ای از کتاب
سر المکتوم، ۱۰ق.
مآخذ تصویر: همان جا



ت ۴. (چپ پایین) نمونه
خط نسخه‌ای از کتاب
جامع العلوم، ۱۱ق.
مآخذ تصویر: همان جا

فرخ خط پیرآموز را پایه و اساس خط تعلیق می‌داند، که پیرآموز نیز برگرفته از خطوط پهلوی و اوستایی است.^۷ در نهایت، با توجه به نمونه‌های موجود و نظر صاحب‌نظران معاصر، می‌توان نتیجه گرفت که خط تعلیق مأخوذ از توقیع و رقاع و نسخ ایرانی^۸ همراه با گردشهایی از خطوط باستانی ایران — پهلوی و اوستایی — است که از قرون پنجم و ششم هجری تحول خود را آغاز کرد و تا قرن هشتم در تکامل بود. در این قرن، احتمالاً به سبب نیاز به تندتویسی، به صورت شکسته‌تعلیق درآمد. چون تعلیق اولیه منسوخ شده بود، «شکسته‌تعلیق» را «تعلیق» و در برخی موارد «ترسل» خواندند.^۹ آنچه خواجه تاج



کسی به نام خواجه ابوالعال را واضع اصلی خط تعلیق می‌داند.^{۱۰} او از کس دیگری نیز به نام حسن بن حسین علی فارسی نام می‌برد که در زمان عضالدوله دبلمی (حک ۳۳۸-۳۷۲ق) از ترکیب خط نسخ و ثلث و رقاع، خط تعلیق را وضع کرد.^{۱۱}

از طرفی، برخی از محققان معاصر بر این عقیده‌اند که پیدایش خط تعلیق به تاریخی پیش از زمان ذکر شده مربوط است و اساساً نمی‌توان مبدأ مشخصی برای آن تعیین کرد؛ چرا که در آثار به‌جامانده از قرون پنجم و ششم هجری، تمایلاتی به تعلیق ابتدایی به چشم می‌خورد که شایان توجه است.^{۱۲} از جمله این آثار نسخه‌ای از لابیه عن الحقائق الادویه، نوشته به سال ۴۷۷ق؛ نسخه ترجمان البلاغه، نوشته به سال ۵۰۷ق؛ نسخه سر المکتوم، نوشته به سال ۶۱۰ق؛ نسخه جامع العلوم، نوشته به سال ۶۱۱ق؛ و همچنین خطی است که در تزئین سفالینه‌های متعلق به اواخر قرن ششم هجری به کار رفته است (ت ۱-۵).

درباره مبدأ اصلی تعلیق نیز سخنان متفاوتی گفته‌اند. بیشتر اهل نظر آن را برگرفته از توقیع و رقاع می‌دانند؛ عده‌ای علاوه بر اینها از تأثیر خط نسخ نیز سخن گفته‌اند. همچنین صاحب تذکره خط و خطاطان آن را برگرفته از خط کوفی و پهلوی می‌داند.^{۱۳} آقای رکن‌الدین همایون

ادهم، حسن علی بیگ و محمد بیگ (منشیان شاه طهماسب) و اسکندری بیگ (مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی). از دیگر تعلیق نویسان اوایل دوره صفوی که از شیوه آنان ذکری به میان نیامده، می توان اینان را نام برد: مولانا ابراهیم (به گفته قاضی احمد، او ثالث خواجه عبدالحی و مولانا درویش است)،^{۱۳} نواب میر عبدالباقی، میرزا روح الله، محمد کاظم نصیری، محمد کاظم اصفهانی، مولانا محمد امین (منشیان شاه طهماسب).^{۱۴}



ت ۵. خط تعلیق در تزیینات ظرف سفالی، اواخر قرن ششم هجری، مآخذ تصویر: قاضی احمد، اطلس خط (مقدمه)، ص چهارده

خط تعلیق، که از دوره تیموری مراحل پیشرفت و ترقی را می گذراند، در اواخر قرن دهم هجری در دستان خواجه اختیار منشی گنابادی به سر حد کمال خود رسید. آثار به جامانده از او خود شاهدهی بر این مدعاست. متأسفانه به رغم اهمیت خواجه اختیار در تکامل خط تعلیق، در تذکره های موجود آن طور که انتظار می رود درباره او مطلبی به میان نیامده است؛ چنان که قاضی احمد در گلستان هنر به همین چند جمله اکتفا کرده است:

خواجه اختیار منشی از دارالسلطنه هرات بود. به غایت نازک و صاف می نوشت. آثار ازو بسیار مانده و قطعه بی شمار نوشته. مدت سی سال در دارالسلطنه هرات به انشاء پادشاه سکندر نشان، سلطان محمد پادشاه که در آن اوان میرزای خراسان بود، اقدام نمود. مولانا از هرات بیرون نیامد و سفری نکرد.^{۱۵}

در اطلس خط، تاریخ وفات او ۹۹۰ ق ذکر شده است.^{۱۶} اطلاعات ناقص و آثار اندکی که از او به جا مانده^{۱۷} تحقیق درباره زندگی هنری او را مشکل تر کرده است.

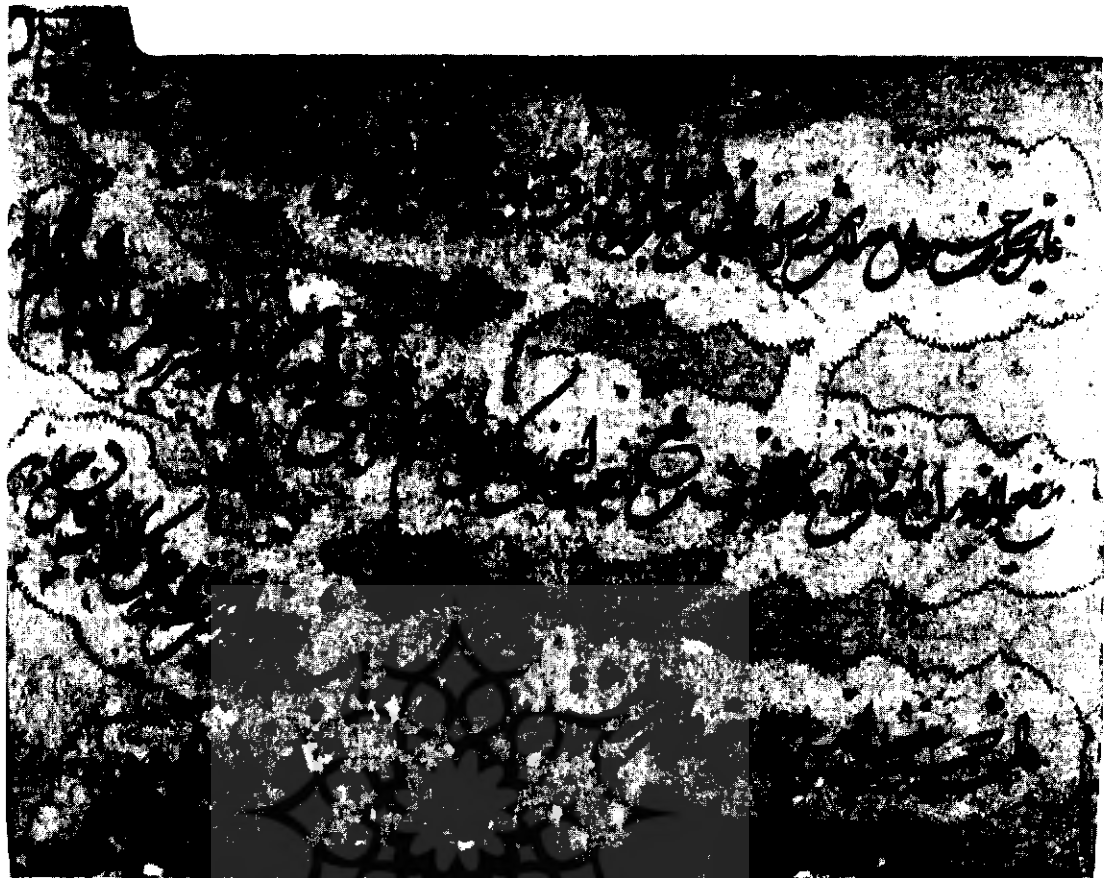
خط تعلیق که در قرن دهم هجری به پیشرفت قابل توجهی رسیده بود، بعد از خواجه اختیار، یعنی از آغاز قرن یازدهم، کم کم رو به ضعف و رکود گذاشت. علت این وضع را استقبال از خط نستعلیق و شکسته نستعلیق دانسته اند که به جای خط تعلیق در میان منشیان رواج یافت.^{۱۸} اگر این امر را دقیق تر بررسی کنیم، درمی یابیم که ابتدای قرن یازدهم آغاز تطور و شکل گیری خط شکسته نستعلیق است. این واقعت مؤید این تلقی است که خط نستعلیق در این دوره بیش از پیش به کار می رفته و بر اثر تند نویسی به صورت شکسته درآمده بوده، که مرحله آغازین پیدایش خط شکسته نستعلیق بوده است.

بعد از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، اصفهان محل تجمع هنرمندان بزرگ، از جمله خوشنویسان و

در قرن نهم وضع کرد خط شکسته تعلیق بود. شایان ذکر است که چون در تذکره ها تنها يك بار نام خواجه ابوالعال و حسن بن حسین علی فارسی آمده است، نمی توان به قطع آنها را واضع خط تعلیق اولیه دانست؛ اما اینکه واضع شکسته تعلیق خواجه تاج سلمانی بوده قطعی است. در مورد خواجه عبدالحی نیز که نامش بارها در تذکره ها آمده، مسلم است که او واضع شیوه ای دیگر در شکسته تعلیق بوده که بعد از خواجه تاج رخ نمود.^{۱۹}

به استناد گلستان هنر، بعد از خواجه عبدالحی دو شیوه در خط تعلیق^{۲۰} شکل گرفت که تعلیق نویسان اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی پیرو این دو شیوه بودند: یکی شیوه ای در نهایت رطوبت و حرکت که منشیان خراسان به پیشوایی مولانا درویش بدان طرز می نوشتند؛ دیگری شیوه ای مستحکم و پخته به پیشوایی شیخ محمد تیمی و مولانا ادريس که احکام سلاطین آق قویونلو بدان طرز نوشته می شد. منشیان عراق نیز از این شیوه پیروی می کردند. بدین ترتیب، همانند نستعلیق دو شیوه برای تعلیق به وجود آمد: شیوه شرقی به مرکزیت هرات و شیوه غربی به مرکزیت تبریز.

پیروان شیوه مولانا درویش^{۲۱} که در اوایل دوره صفوی فعال بوده اند عبارت اند از: میر منصور، خواجه جان، میر قاسم (منشی همایون پادشاه هند)، خواجه اختیار منشی گنابادی، میرزا شرف جهان، میرزا محمد حسین (همعصر شاه طهماسب، که منشی سلاطین هند بود). پیروان شیوه شیخ محمد تیمی و مولانا ادريس عبارت اند از: میر عبدالباقی (منشی شاه اسماعیل)، مولانا



ت ۶ خواجه اختیار
منشی گنابادی، خط
شکسته تعلیق، اواخر
قرن دهم هجری، مأخذ
تصویر: مرقع رنگین،
ص ۲۲

تکیه‌ای به نام او بنا کرد. این تکیه، که آن را الهیه می‌خوانند، جایی است که واله در آنجا برای خود آرامگاهی ترتیب داد و کتیبه سنگ مزارش را نیز خود نوشت، که از آثار مهم او به شمار می‌رود^{۲۱} (ت ۶).

ظاهراً محمدکاظم واله آخرین تعلیق‌نویس برجسته اصفهانی بود و پس از او کس دیگری ظهور نکرد — گویی «خط تعلیق در اصفهان به دست واله بر سنگ مزارش نقش بست و برای همیشه بر خاک واله نشست»^{۲۲} نکته مهم این است که به‌رغم فعالیت‌های واله برای گسترش و تحول خط تعلیق، این حرکت ابتر ماند و ادامه نیافت. شاید بشود علل متعددی برای این واقعه یافت؛ اما ظاهراً یکی از مهم‌ترین عوامل این رکود قطعی، تحول چشم‌گیر خط شکسته‌نستعلیق است که در اصفهان روی داد.

تقریباً هم‌عصر واله، شخصیتی در خوشنویسی ظهور کرد که به‌رغم عمر کوتاه خود، تأثیری شگرف بر ترقی و تحول خط شکسته‌نستعلیق گذاشت. درویش عبدالمجید طالقانی (ف ۱۱۸۵ق) با پدید آوردن آثار ارزشمند و تربیت شاگردانی که هر کدام به‌نحوی شیوه او را ادامه دادند، خط

منشیان معتبر و مشهور شد. از تعلیق‌نویسان مهمی که در قرن یازدهم هجری در این شهر فعال بوده‌اند، می‌توان محمدکاظم اصفهانی (ف ۱۰۶۹ق)، محمدکاظم نصیری (ف؟)، محمدجعفر کفایت‌خان (ف ۱۰۹۵ق)، محمدکریم اصفهانی (ف ۱۰۸۴ق)، مرتضی‌قلی‌خان شاملو (ف ۱۱۰۰ق)^{۲۳} را نام برد، که هر کدام به‌نحوی ادامه‌دهنده شیوه اسلاف خود بودند. در قرن دوازدهم هجری نیز خط تعلیق در دست کسانی چون محمدحسین ناجی (ف ۱۱۲۶ق)، مریدخان نواب (ف ۱۱۶۱ق)، میرزا نصیر طبیب اصفهانی (ف ۱۱۹۱ق) به حیات ادامه داد. اما در اواخر قرن دوازدهم هجری، شخصی به نام محمدکاظم واله (ف ۱۲۲۹ق) ظهور کرد که با آثار خود جان تازه‌ای به خط تعلیق بخشید. البته بر اساس آنچه در تذکره‌ها آمده، وی را بیشتر به جهت سخنوری و دانشوری‌اش ستوده‌اند.^{۲۴} واله که از اعیان اصفهان بود، مدتی از اوایل عمر را در عراق به زیارت و سیاحت و تجارت گذراند؛ سپس به اصفهان برگشت و بقیه عمر را در آنجا گذراند. او در اصفهان بسیار مورد احترام بود؛ چنان‌که حاج محمدحسین‌خان بیگلربیگی در اصفهان

قرن یازدهم، که زمان انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان است، خط تعلیق رو به ضعف گذاشت و کم‌کم جای خود را به نستعلیق و سپس به شکسته‌نستعلیق داد. این وضع تا اواخر قرن دوازدهم ادامه یافت. در این سالها به‌رغم فعالیت‌های محمدکاظم واله در اعتلای خط تعلیق در اصفهان، پیشرفت چشم‌گیر خط شکسته‌نستعلیق به دست درویش عبدالمجید طالقانی از مهم‌ترین علل رکود قطعی خط تعلیق در این شهر بود. □

کتاب‌نامه

- بیانی، مهدی. *احوال و آثار خوشنویسان*. تهران، علمی، ۱۳۶۳، ج ۴.
- حبیبی آزاد، ناهید. *کتابشناسی خط و خوشنویسی*. تهران، انجمن هنرهای تجسمی ایران با همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۵.
- فضائلی، حبیب‌الله. *اطلس خط*. اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.
- قاضی احمد قمی (۱۰۳۱ هـ. ق. حسین منشی قمی). *گلستان هنر*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.
- مایل هروی، غلامرضا. *لغات و اصطلاحات فن کتابسازی*. تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*. مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- مرقع رنکین (منتخبی از آثار نفیس خوشنویسان ایران). تهران، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۷۸.
- منصوری، فیروز. *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری*. تهران، گستره، ۱۳۶۶.
- میرزا حبیب اصفهانی. *تذکره خط و خطاطان*. ترجمه رحیم چاوش، تهران، مستوفی، ۱۳۶۹.
- جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار. *نامه دانشوران ناصری* (در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی). قم، دار الفکر، ۱۳۲۸.
- همایون فرخ، رکن‌الدین. «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران». در: هنر و مردم، دوره ۳، ش ۲۸ (۱۳۴۳)، ص ۹-۱۵.
- همای. میرزا جلال‌الدین. *تاریخ ادبیات ایران*. تهران، فروغی، ۱۳۴۰.

پی‌نوشتها

۱. قاضی احمد قمی، *گلستان هنر*، ص ۴۲.
۲. نک: مایل هروی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*.
۳. میرزا حبیب اصفهانی، *تذکره خط و خطاطان*، ص ۲۸. آقای غلامرضا مایل هروی این نظر را تأیید کرده است. — غلامرضا مایل هروی، *لغات و اصطلاحات فن کتابسازی*، ص ۶۴.
۴. این مطلب در *نامه دانشوران ناصری*، ص ۹۸ نیز آمده است.
۵. مهدی بیانی، نقل شده در حبیب‌الله فضائلی، *اطلس خط*، ص ۴۰۴؛ حبیب‌الله فضائلی، همان، ص ۴۰۵. جلال‌الدین همایی، *تاریخ ادبیات ایران*، ص ۳۵۷؛ رکن‌الدین همایون فرخ، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، ص ۹. غلامرضا مایل هروی، همان، ص ۶۴.



ت ۷. خط تعلیق
حجاری شده بر سنگ
قبر کاظم واله (ف)
۱۲۲۹ق، مأخذ تصویر:
فضائلی، همان، ص ۴۱۱

شکسته‌نستعلیق را به جایگاهی رفیع رساند.^{۳۳} این ترقی ناگهانی باعث شد که نستعلیق‌نویسانی که پیش‌تر، از خط تعلیق در مقام خط دوم در کتابت استفاده می‌کردند، تمایل بیشتری به شکسته‌نستعلیق نشان دهند. در چنین اوضاعی، خواه‌ناخواه جایی برای استفاده از خط تعلیق، که از مدتها پیش دچار رکود شده بود، باقی نماند.

نتیجه

خط تعلیق که بر پایه توفیق، رقا، و نسخ ایرانی شکل گرفت، در قرن هفتم و هشتم بر اثر تندنویسی به صورت شکسته‌تعلیق در آمد و به دست خواجه تاج سلمانی اصفهانی قاعده‌مند شد. خواجه عبدالحی واضع شیوه‌ای دیگر در خط تعلیق بود. از اوایل قرن دهم هجری، دو شیوه متأثر از شیوه خواجه عبدالحی، یکی در شرق به مرکزیت هرات و دیگری در غرب به مرکزیت تبریز، به وجود آمد. خط تعلیق در اواخر قرن دهم به دست خواجه اختیار منشی گنابادی به اوج کمال و زیبایی رسید. از

۶. میرزا حبیب اصفهانی، همان، ص ۲۸.
۷. رکن‌الدین همایون فرخ، همان، ص ۱۲.
۸. در قرون اولیه هجری تا قرن پنجم، خط معمول ایرانیان نوعی خط نسخ بوده است که با قلم نسخ قدیم عربی و نسخ جدید ایرانی تفاوت دارد.
۹. خط تعلیق را «نامه» نیز خوانده‌اند، چنان‌که در رساله آداب الخط آمده است:
- مستخرج نامه خواجه تاج است / نامش دل خسته را علاج است. — نقل شده در نجیب مایل هروی، کتاب آرای در تمدن اسلامی، ص ۱۸۰.
۱۰. فضائلی، همان، ص ۴۰۴-۴۰۵.
۱۱. شکسته تعلیق به اختصار تعلیق خوانده می‌شود.
۱۲. برخی او را بهتر از خواجه عبدالمسی می‌دانند. نک: قاضی احمد، گلستان هنر، ص ۴۴.
۱۳. قاضی احمد، همان، ص ۴۷.
۱۴. همان، ص ۴۲-۵۶. در مآخذ این مقاله، تاریخ وفات این هنرمندان ذکر نشده است.
۱۵. همان، ص ۴۹.
۱۶. فضائلی، همان، ص ۴۰۹.
۱۷. برای اطلاعات بیشتر درباره آثار ثبت شده به نام خواجه اختیار، نک: فیروز منصوری، فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری، ص ۱۱۱.
۱۸. فضائلی، همان، ص ۴۰۶.
۱۹. شکسته نستعلیق نویس مشهوری که برخی او را واضح این خط می‌دانند.
۲۰. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، ص ۱۲۷۳-۱۲۷۵.
۲۱. «اثر مهم او که در میان سنگ‌نیشته‌ها بی‌نظیر است، سنگ مزار آرامگاه وی در تخت فولاد اصفهان است که به دست خود نوشته و حرکات و استواری خط او جالب است.» — فضائلی، همان، ص ۴۱۱.
۲۲. فضائلی، همان‌جا.
۲۳. چند تن از شاگردان درویش که همگی در اصفهان بوده‌اند عبارت‌اند از: میرزا کوچک اصفهانی (ف ۱۲۲۸ق)، محمدرضا اصفهانی (ف؟)، میرزا عبدالوهاب نشاط (ف ۱۲۲۴ق)، میرزا عبدالوهاب کلانتر (ف؟).

